

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

معصومه حاجیلی

محقق اداره بررسی‌های اقتصادی بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران

پیشگفتار

به دنبال روند رو به افزایش ارتباطات اقتصادی و ادغام اقتصادی کشورها در اقتصاد جهانی (Globalization) طی دهه اخیر، حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کشورها (FDI) نیز سیر فزاینده‌ای یافته‌است. بررسی‌های نظری و تجربی حاکی از آن است که مشارکت سرمایه‌های خارجی در روند رشد و توسعه اقتصادی کشورها در دهه‌های اخیر سهم قابل توجهی داشته‌است. صرف‌نظر از میزان مشارکت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در روند سرمایه‌گذاری و رشد در اقتصاد ملی کشورها که روشهای بررسی کمی آن و نتایج و یافته‌های حاصل از آن همواره موضوع بحث و مناقشه بوده‌است، گروهی از محققین اقتصادی بر آثار مثبت خارجی (Externalities) سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در اقتصاد ملی تأکید دارند. این گروه از اقتصاددانان بر این اعتقادند که افزایش سرعت انباشت، سرمایه‌گذاری و کارآیی سرمایه در برداشتنی تاریخی، مستلزم تدارک و تعبیه شرایط و ساز و کارهایی است که دامنه آن بعضاً از حوزه کارکرد دانش اقتصاد فراتر می‌رود و زمینه‌های فرهنگ، اجتماع و حقوق را نیز پوشش می‌دهد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و مباحث مربوط به آن و خصوصاً امتیازات و ویژگی‌هایی که کشورهای مختلف در چارچوب قوانین و مقررات جاری خود برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قائل می‌شوند، غالباً فتح بابی است بر طرح مسائلی عمیق‌تر که بازنگری نسبت به آنها از جمله الزامات محیطی عمده برای ایجاد فضای رشد و توسعه اقتصادی ارزیابی می‌شود.

□ کلیات

حرکت سرمایه فراسوی مرزهای ملی کشورهای و نقش آن در توسعه اقتصادی کشورها از بحث‌انگیزترین موضوعات مطرح‌شده طی دهه‌های اخیر بوده است. دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی هدفی است که تمامی دولت‌ها و برنامه‌ریزان اقتصادی در جهان بر آن تأکید فراوان دارند. نابرابری میان منابع پس‌انداز شده و نیازهای سرمایه‌ای در اقتصاد و فقدان شرایط مساعد برای سرمایه‌گذاری و جذب منابع خارجی مشکلی است که هسته اصلی برنامه‌ریزی‌های بلندمدت را تشکیل می‌دهد. دیدگاه کلاسیک بر آن است که کشورهایی که در آنها نسبت سرمایه به کار پایین است، لیکن از ظرفیت‌های اقتصادی بالا و بهره‌وری بالای نیروی کار برخوردارند، می‌توانند با انتقال سرمایه از سایر نقاط جهان میزان سرمایه‌گذاری را نسبت به پس‌اندازهای داخلی خود افزایش دهند. در چنین شرایطی با انتقال سرمایه از خارج کشور، تأمین کسری موازنه تجارت خارجی کشور ممکن می‌گردد. اما با گذشت زمان و افزایش نرخ پس‌اندازهای داخلی، همانگونه که موجودی سرمایه و تولید افزایش می‌یابد، کسری تجاری تدریجاً به سوی مازاد تجاری حرکت می‌نماید.

در تمامی نظریات و الگوهای رشد اقتصادی سرمایه به عنوان موتور محرکه و عامل قوی رشد و توسعه اقتصادی در نظر گرفته شده است. اصولاً سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یکی از اشکال صدور سرمایه از کشور مبدأ به کشورهای مقصد می‌باشد که در قالب سرمایه‌گذاری در تولید و ساخت کالا، استخراج مواد خام، تأسیس و گسترش نهادهای مالی و غیره در فراسوی مرزهای ملی انجام می‌گردد. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی یا انتقال سرمایه دولتی یا خصوصی از کشوری به کشور دیگر به منظور بهره‌برداری مستقیم از آن در فعالیت‌های اقتصادی سابقه‌ای طولانی دارد که به پیش از جنگ جهانی دوم بازمی‌گردد. در این زمان جهت حرکت سرمایه‌گذاری‌ها به طور عمده از سوی کشورهای صنعتی به سوی کشورهای در حال توسعه بود. ۶۰ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی مستقیم در این دوره در کشورهای در حال توسعه و عمدتاً در بخش‌های اولیه اقتصاد اعم از مواد استخراجی و کشاورزی انجام می‌گرفت و تنها ۴۰ درصد سرمایه‌گذاری‌ها در کشورهای توسعه‌یافته انجام می‌شد.

هدف اصلی از سرمایه‌گذاری خارجی در این زمان، تأمین، حفظ و تقویت منابع و مواد اولیه‌ای بود که کشورهای صنعتی برای گردش فرایندهای تولید خود به آنها نیاز داشتند.

بعد از جنگ جهانی دوم روند مزبور به تدریج تغییر نمود به نحوی که در دهه‌های ۵۰ و ۶۰ میلادی سهم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه به حدود ۳۵ درصد کاهش یافت. دلیل این امر تغییرات تکنولوژیکی مهمی بود که در کشورهای صنعتی به وقوع پیوست بطوریکه با دگرگون شدن ساختار تولید، توزیع و بازار و ایجاد تغییراتی در رابطه میان بخشهای مختلف اقتصادی و قدرتمند شدن بخشهای خدمات و مالی و نیز به دلیل فراوانی و ارزانی مواد اولیه، اهمیت تأمین این مواد در کشورهای صنعتی به شدت کاهش یافت. سهم کالاهای ساخته شده در تجارت جهانی از ۴۰ درصد در سال ۱۹۲۸ به ۶۰ درصد در سال ۱۹۷۰ رسید و دیگر نیاز قابل توجهی به سرمایه‌گذاری مستقیم گسترده برای تأمین این مواد، مگر در بخش انرژی آن هم عمدتاً در بخش انرژی‌های فسیلی (نفت و گاز) وجود نداشت.

انتظار بر این است که روند انتقال سرمایه و تکنولوژی معمولاً از کشورهای توسعه یافته و صاحب سرمایه و تکنولوژی جدید به کشورهای در حال توسعه که از بهره‌وری بالای نیروی کار برخوردارند، صورت پذیرد. اما آمار موجود حاکی از آن است که طی دهه‌های اخیر سرمایه‌گذاری مستقیم در میان کشورهای توسعه یافته نیز به میزان قابل ملاحظه‌ای، انجام پذیرفته است. علیرغم اینکه حجم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه از میانگین سالانه ۱۲٫۶۳۴ میلیون دلار در دوره ۸۵-۱۹۸۰ به ۳۱٫۷۷۶ میلیون دلار در سال ۱۹۹۰ افزایش یافته است، اما از سویی سهم این کشورها در جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در سه دهه اخیر کاهش قابل توجهی یافته است. همچنین توزیع این نوع سرمایه‌گذاری در میان کشورهای در حال توسعه نیز بسیار ناهماهنگ می‌باشد، این توزیع متأثر از فراهم بودن زیرساختهای اقتصادی مناسب، نیروی کار ارزان و فراوان، بهره‌وری بالای نیروی کار، جو سیاسی و ثبات کشور، جو حاکم بر مقررات و تشکیلات سازمانی، سیاستهای کلان اقتصادی و... کشورهای مذکور می‌باشد که مجموعاً بستر مناسب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را تعیین می‌نماید.

۱ - ابعاد نظری سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

در پی اهمیت ویژه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در رشد و توسعه اقتصادی کشور در جهان امروز، تحقیقات و مطالعات فراوانی در مورد آن صورت پذیرفته‌است و محققان بسیاری به تحلیل عوامل مؤثر در ایجاد و آثار آن پرداخته‌اند. در ادبیات اقتصادی عموماً نظریه‌های توضیح‌دهنده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به سه گروه نظریه‌های با فرض بازارهای کامل، نظریه‌های با فرض بازارهای ناقص و سایر نظریه‌ها طبقه‌بندی می‌گردد.

۱-۱- نظریه‌های با فرض بازارهای کامل

● ۱-۱-۱- تئوری نرخهای بازدهی متفاوت

استدلال می‌شود که سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی نتیجه جریان سرمایه از کشورهای با بازدهی اندک به کشورهای با بازدهی بالا است. این استدلال ناشی از آن است که بنگاه‌های اقتصادی در ارزیابی تصمیمات مربوط به سرمایه‌گذاری، بازدهی نهایی مورد انتظار را با هزینه نهایی سرمایه برابر می‌کنند. در شرایطی که بازدهی نهایی مورد انتظار در خارج بیش از داخل باشد، با فرض اینکه هزینه نهایی سرمایه هر دو نوع سرمایه‌گذاری برابر باشد، انگیزه جهت سرمایه‌گذاری در خارج ایجاد می‌گردد. این نظریه در اواخر دهه ۱۹۵۰، در سطح وسیعی مورد پذیرش واقع شد. عملاً اثبات این نظریه با مشکلات زیادی مواجه شد که بزرگترین دلیل آن دشواری‌های مربوط به اندازه‌گیری نرخ سود شرکت‌های چند ملیتی و یکسان نبودن نرخ بازده فعالیت‌های مختلف است.

● ۱-۱-۲- تئوری ایجاد تنوع در مجموعه داراییها^(۱)

از آنجا که تئوری بازدهی مورد انتظار توضیح کافی و کاملی از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ارائه نمی‌نماید، توجیه بعدی بر نقش ریسک متمرکز گشته‌است. یک بنگاه برای انتخاب یک پروژه از میان پروژه‌های مختلف موجود، احتمالاً هم نرخهای بازدهی مورد انتظار و هم ریسکهای مختلف مربوط

به سرمایه‌گذاری را مدّ نظر قرار می‌دهد. از آنجا که احتمالاً همبستگی کاملی بین ریسک فعالیت‌ها در کشورهای مختلف وجود ندارد، یک بنگاه می‌تواند با انجام پروژه‌هایی در بیش از یک کشور، مجموعه ریسک سرمایه‌گذاری خود را کاهش دهد. بنابراین می‌توان سرمایه‌گذاری مستقیم را بعنوان ابزاری جهت ایجاد تنوع در دارایی‌های بین‌المللی در یک بنگاه اقتصادی بعنوان یک دیدگاه منطقی پذیرفت. اگرچه این نظریه می‌تواند حرکت سرمایه را از کشوری به کشور دیگر توجیه کند لیکن تفسیر تمرکز سرمایه‌گذاری در یک رشته خاص با تکیه بر اصول نظری بالا از نتایج مطلوبی برخوردار نبوده‌است.

● ۳-۱-۱- تئوری تولید و اندازه بازار

از دیدگاه‌های دیگر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی با حجم تولید بنگاه چند ملیتی در کشور میزبان مرتبط می‌شود. در رهیافت تولید، متغیرهای مربوط به تولید (فروش) در نظر گرفته می‌شوند، در حالیکه رهیافت اندازه بازار، تولید ناخالص ملی یا تولید ناخالص داخلی کشور میزبان را مدّ نظر قرار می‌دهد که می‌تواند بعنوان شاخصی برای ظرفیت‌های فروش بالقوه در نظر گرفته شود. ارتباط تولید با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را می‌توان از الگوهای نئوکلاسیک نظریه سرمایه‌گذاری داخلی بدست آورد. در این الگوها ارتباط اندازه بازار کشور میزبان عموماً به جای اینکه از یک الگوی نظری بدست آید، یک امر بدیهی فرض می‌شود. علی‌رغم فقدان پشتوانه نظری قوی، استفاده از الگوی بازار برای تقلیل سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بسیار متداول است و در بسیاری از مطالعات تجربی در این زمینه متغیر اندازه بازار کشور میزبان بعنوان یک متغیر توصیفی وارد شده‌است.

۳-۱- نظریه‌های مبتنی بر بازارهای ناقص

● ۱-۲-۱- نظریه سازمان صنعتی

هایمر در (۱۹۷۶)^(۱) به این نتیجه رسیده‌است که وجود شرکت‌های چند ملیتی به علت وجود بازارهای ناقص است. او دو نوع از نقائص بازار را حائز اهمیت و ویژه‌ای دانسته‌است: نقائص ساختاری و نقائص هزینه معاملاتی.

نقائص ساختاری که به شرکت‌های چند ملیتی کمک می‌کند تا قدرت بازار را افزایش دهد، در نتیجه با ایجاد شرکت چند ملیتی و توزیع تولید در چند نقطه، صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس، مزایای دانش، شبکه‌های توزیع، تنوع بخشی به محصول و مزایای اعتباری پدید می‌آید. از سوی دیگر، هزینه‌های معاملاتی برای شرکت‌های چند ملیتی، جایگزین نمودن "بازار داخلی" به جای "بازار خارجی" را سودآور می‌نماید.

● ۲-۲-۱- نظریه درونی کردن

در این نظریه، وجود سرمایه‌گذاری خارجی، پیامد جایگزین نمودن نقل و انتقالات درونی توسط بنگاه‌ها به جای نقل و انتقالات بازار بین بنگاه‌ها می‌باشد. این موضوع به نوبه خود بعنوان روش اجتناب از نقائص بازارها در مورد نهاده‌های واسطه‌ای مطرح می‌شود^(۱). مؤسسات تولیدی غیر از تولید عادی کالاها و خدمات به فعالیت‌های متعدد دیگری نیز می‌پردازند. تمامی این فعالیت‌ها شامل بازاربایی، تحقیق و توسعه، آموزش کارکنان در ارتباط متقابل با یکدیگرند. با این وجود، نقائص بازار قیمت‌گذاری برخی از انواع محصولات واسطه‌ای را دشوار می‌نماید. براساس این رهیافت، هویت و موجودیت شرکت از بازار به کلی مجزا می‌شود و اذعان می‌شود که تلاش جهت نیل به کارآیی، و نه کوشش برای حداکثر کردن سود، انگیزه اصلی سرازیر شدن منابع سرمایه‌ای به بازارهای خارجی است.

● ۳-۲-۱- دیدگاه ترکیبی

دانینگ^(۲) ضمن مطالعاتی در سال‌های ۱۹۷۹، ۱۹۸۸ و ۱۹۷۷ با ادغام سه گروه نظریات شامل نظریه سازمان صنعتی، نظریه درونی کردن و نظریه مکان، نظریه "ترکیبی" را بیسط داده است. به نظر وی اگر یک بنگاه درگیر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی شود، سه شرط باید تحقق پیدا کند. نخست، بنگاه باید نسبت به سایر بنگاه‌ها مزایای مالکیتی داشته باشد. این مزایا معمولاً از مالکیت دارایی‌های نامشهود در اختیار بنگاه، پدید می‌آید. دوم، برای بنگاه استفاده از این مزایا باید سودآورتر از فروش یا

1- I.M.F. Foreign Direct Investment, wp/90/63

2- I.M.F Foreign Direct Investment, wp/90/63

اجاره آنها به دیگر بنگاه‌های مستقل باشد و بالاخره استفاده از این مزایا همراه با دست کم برخی نهاده‌هایی که در خارج استقرار یافته‌اند باید سودآورتر باشد. در صورت عدم تحقق شروط فوق بنگاه تولیدی از بازارهای خارجی صرفاً بعنوان وسیله صادرات استفاده می‌کند. بنابراین برای اینکه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی صورت پذیرد بنگاه باید دارای مزایای مالکیتی و مزایایی در بین‌المللی کردن تولید باشد و همچنین مزایای انتخاب مکان تولید در کشور میزبان باید بیش از کشور مبدأ باشد.

● ۴-۲-۱- چرخه محصول^(۱)

در این نظریه، فرض می‌گردد محصولات تولیدی بنگاه‌ها از یک چرخه حیاتی پیروی می‌کنند که در آن تولید محصول مورد نظر ابتدا بعنوان نوآوری ظاهر گردیده و نهایتاً منجر به تولید یک کالای کاملاً استاندارد می‌گردد. به تدریج که محصول به مرحله بهره‌برداری می‌رسد، بنگاه‌ها در برابر تهدید از دست دادن بازارها واکنش نشان می‌دهند و در نتیجه فرآیند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بعنوان پوششی برای حفاظت و حمایت از حقوق مالکیتی پدید می‌آید. این سرمایه‌گذاری با توسعه در فراسوی مرزها و تصرف بهره باقی‌مانده از گسترش محصول در بازارهای مختلف انجام می‌گردد. منظور این فرضیه که بوسیله ورنون^(۲) (۱۹۹۶) توسعه یافت اساساً توجیه گسترش فعالیت بنگاه‌های چندملیتی آمریکایی پس از جنگ جهانی دوم بود.

● ۵-۲-۱- واکنش انحصارات چندجانبه^(۳)

استدلال بوکر^(۴) (۱۹۷۳) بر این مبنا است که در یک محیط چند انحصاری، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی توسط یک بنگاه موجب می‌شود که سایر بنگاه‌های اصلی در آن صنعت به منظور حفظ سهمشان در بازار به واکنش بپردازند. وی با استفاده از اطلاعات مربوط به تعداد بیشماری از بنگاه‌های

1- Product Cycle

2- Vernon

3- Oligopolistic reaction

4- I.M.F, Foreign Direct Investment, wp/90/63

چند ملیتی آمریکایی شاخص تمرکز ورود به هر صنعت را محاسبه نمود. این شاخص نشان داد که دامنه ورود شرکت‌های تابعه دارای تمرکز زمانی است و چنین نتیجه‌گیری نمود که شاخص تمرکز ورود همبستگی مثبتی با شاخص تمرکز صنعت در آمریکا دارد و حاکی از آن است که افزایش تمرکز صنعتی موجب افزایش واکنش می‌گردد.

۳-۱- سایر نظریه‌های سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

بطور سنتی نظریات دیگری نیز در زمینه سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی مطرح گشته شده است که ذیلاً به برخی از آنها اشاره می‌گردد و بطور اجمالی نظریه مبتنی بر فرضیه "کوچیمما" مورد بررسی قرار می‌گیرد:

- * نظریه مبتنی بر نقدینگی.
 - * نظریه مبتنی بر تنوع بخشی همراه با موانعی بر جریانهای بین‌المللی سرمایه.
 - * نظریه مبتنی بر قلمرو پول رایج.
 - * نظریه مبتنی بر فرضیه کوچیمما.
 - * نظریه مبتنی بر بی‌ثباتی سیاسی.
 - * نظریه مبتنی بر سیاست مالیاتی.
 - * نظریه مبتنی بر مقررات دولت.
- ۱-۳-۱- نظریه مبتنی بر فرضیه کوچیمما^(۱)

کوچیمما طی مطالعات متعددی که انجام داد، به توضیح تفاوت‌های الگوی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی آمریکا و ژاپن در کشورهای در حال توسعه و پیامد این تفاوتها در بسط تجارت بین‌المللی و رفاه جهانی پرداخت. براساس فرضیات او سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بعنوان ابزاری جهت انتقال سرمایه، تکنولوژی و مهارت‌های مدیریتی از کشور مبدأ به کشور میزبان، می‌باشد. به عقیده وی، دو نوع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی وجود دارد:

۱ - سرمایه‌گذاری با سمت‌گیری تجاری^(۱)

۲ - سرمایه‌گذاری ضد سمت‌گیری تجاری^(۲)

در صورتی‌که، در مراحل اولیه مبادله، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوجود آورنده تقاضای اضافی برای واردات و عرضه اضافی برای صادرات باشد، سمت‌گیری تجاری دارد. حالت عکس آن هم سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی ضد سمت‌گیری تجاری نامیده می‌شود.

۲ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از دیدگاه‌های مختلف^(۳)

۲-۱ - برخی نظرات موافق

نظریه مبتنی بر پرکردن شکاف پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، منابع مالی خارجی، درآمد و مدیریت: نظریات موافق سرمایه‌گذاری خارجی بطور جداگانه از تجزیه و تحلیل‌های سنتی نئوکلاسیکی که در تبیین رشد اقتصادی انجام شده‌است، صورت می‌پذیرد. سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی عموماً بعنوان روشی جهت پر نمودن شکاف میان عرضه و تولید داخلی، پس‌انداز و سرمایه‌گذاری، درآمد دولت و مهارت‌های مدیریتی و سطح قابل قبول منابع لازم برای دستیابی به اهداف رشد و توسعه اقتصادی، در نظر گرفته می‌شود. تحلیل "شکاف پس‌انداز - سرمایه‌گذاری" مدل انتزاعی رشد هارورد - دومار را تداعی می‌نماید که نشان‌دهنده ارتباط میان نرخ پس‌انداز یک کشور (S) و نرخ رشد محصول (g)، بواسطه معادله $g = \frac{S}{k}$ است، بطوریکه k نسبت سرمایه به تولید ملی است. اگر نرخ رشد سالیانه محصول ملی (g) در سطح ۷ درصد مورد نظر باشد و نسبت سرمایه به تولید نیز معادل ۳ باشد، نرخ پس‌انداز سالیانه مورد نیاز برای تأمین رشد ۷ درصد باید ۲۱ درصد باشد (چون $g \times k = s$ است). اگر پس‌اندازی که می‌توان تجهیز نمود مثلاً ۱۶ درصد تولید ناخالص ملی (GNP) باشد، آنگاه "شکاف پس‌انداز"

1- Trade Oriented

2- Anti-Trade Oriented

3- Michael P. Todaro, *Economic Development in the Third World*, Fourth Edition

معادل ۵ درصد خواهد بود. در صورتی که بتوان این شکاف را از منابع مالی خارجی تأمین نمود دستیابی به سطح مورد نظر از رشد اقتصادی امکان‌پذیر خواهد بود.

موضوع دوم مورد بحث، نقش سرمایه‌گذاری خارجی در پرکردن شکاف میان منابع ارزی مورد نظر و هدف‌گذاری شده و آن بخشی که از خالص دریافت‌های صادرات بعلاوه کمک‌های عمومی خارجی بدست می‌آید، می‌باشد. این بحث بعنوان شکاف ارزهای خارجی یا تجاری معروف است. ورود سرمایه خصوصی خارجی نه تنها می‌تواند مشکل‌گشای بخشی از کسری حساب‌جاری در تراز پرداختها باشد بلکه در طول زمان به شرط آنکه شرکت‌های تحت مالکیت خارجی، بوجود آورنده جریان مثبت درآمدهای صادراتی باشند، می‌تواند کسری تراز پرداختها را از بین ببرد.

شکاف سومی که بوسیله سرمایه‌گذاری خارجی قابل تأمین می‌باشد، شکاف میان درآمدهای مالیاتی هدف‌گذاری شده دولت و درآمدهای تحقق یافته مالیاتی است. استنباط عمومی بر این است که با مالیات‌بندی سود شرکت‌های چند ملیتی و مشارکت مالی در عملیات داخلی آنها، دولت‌ها در تجهیز منابع مالی عمومی برای پروژه‌های عمرانی توانایی بیشتری خواهند داشت.

شکاف چهارم، همان شکاف مدیریت، تکنولوژی و مهارت‌ها است که بطور کامل و یا بخشی بوسیله عملیات داخلی شرکت‌ها و بنگاه‌های خصوصی خارجی پر می‌شود.

سایر مزایای سرمایه‌گذاری خارجی در مقایسه با سرمایه‌گذاری داخلی عبارتست از:

* در اختیار داشتن سرمایه و منابع و توانایی سرشار مالی و متعاقباً دسترسی به بازارهای بین‌المللی.

* برخورداری از پول ملی قوی و با ثبات.

* مدیریت برتر و پیشرفته.

* برخورداری از تکنولوژی و دانش فنی پیشرفته.

- * بازاریابی قوی.
- * بهره‌گیری از مزایای ناشی از بزرگی مقیاس تولید.
- * بهره‌گیری از قدرت چانه‌زنی و قدرت سیاسی.

۲-۲- برخی نظرات مخالف

● بسط شکاف‌ها

نظرات مخالف سرمایه‌گذاری خصوصی خارجی اساساً به دو بخش کلی مخالفت با سرمایه‌گذاری خارجی و مخالفت با فعالیت شرکت‌های چند ملیتی، عنوان شده‌است. بطور کلی مبحث پرنمودن شکاف‌های چهارگانه با مخالفت‌هایی به شرح ذیل مواجه می‌باشد:

- ۱- علی‌رغم آنکه شرکت‌های چند ملیتی فراهم‌کننده سرمایه هستند، اما ممکن است با مشکل‌تر نمودن شرایط رقابتی از طریق موافقت‌نامه‌های تولیدی خاص و انحصاری با دولت‌های میزبان، قصور در سرمایه‌گذاری مجدد بخش عمده‌ای از سود سرمایه، ایجاد درآمدهای داخلی برای گروه‌های با میل پایین‌تر به پس‌انداز و تحصیل هزینه‌های سود بالابر سرمایه استقراض شده توسط دولت‌های میزبان، موجبات کاهش شدید سطح پس‌اندازهای داخلی را فراهم سازند.
- ۲- اگرچه ممکن است تأثیر اولیه سرمایه‌گذاری شرکت‌های چند ملیتی بهبود وضعیت ارزی کشور میزبان را همراه داشته‌باشد، اما در بلندمدت دریافت‌های ارزی کشور مورد نظر هم در حساب جاری و هم در حساب سرمایه کاهش می‌یابد. تغییر منفی حساب جاری ممکن است هم در اثر واردات قابل توجه کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای و هم در حساب سرمایه بر اثر برگشت منافع، سودها، حق انحصارات، هزینه‌های مدیریتی و... به سرزمین اصلی صورت پذیرد.
- ۳- با وجود آنکه شرکت‌های چند ملیتی در قالب مالیات بر شرکت‌ها، در تأمین درآمدهای عمومی مشارکت می‌نمایند، اما این مشارکت بطور قابل ملاحظه‌ای کمتر از درآمدی است که در نتیجه انحصار، دریافت‌های سرمایه‌گذاری و حمایت‌های تعرفه‌ای عاید شرکت‌های چند ملیتی می‌شود.

۴ - عواملی چون مدیریت، مهارت‌های فنی، تکنولوژی و ارتباطات خارجی که بوسیله شرکت‌های چندملیتی در دسترس قرار می‌گیرد، ممکن است اثر اندکی بر توسعه داخلی این مهارت‌های کمیاب داشته باشد و همچنین امکان دارد که این پیشرفت‌ها در مقابل هزینه از میدان به در نمودن شرکت‌های تازه تأسیس شده داخلی در نتیجه تسلط شرکت‌های چندملیتی بر بازارهای داخلی، حاصل شده باشد.

انتقادهای عمیق‌تر و جدی‌تری بر شرکت‌های چند ملیتی وارد می‌شود که عموماً بنیادی نیز می‌باشد. این انتقادهای از سوی کشورهای در حال توسعه صورت می‌پذیرد و بنا به علل ذیل است:

۱ - تأثیر این شرکت‌ها در روند توسعه اقتصادی بسیار نابرابر است. در موقعیت‌های بیشماری، فعالیت شرکت‌های چند ملیتی موجب بوجود آوردن ساختار دوگانه اقتصادی می‌شود و نابرابری‌های درآمدی را تشدید می‌نماید.

۲ - غالباً شرکت‌های چند ملیتی بصورت بارزی به تولید محصولات غیرضروری اشتغال دارند (تأمین تقاضای اقلیت ثروتمند در کل جمعیت بومی) و بوجود آورنده الگوهای نامناسب مصرفی از طریق تبلیغات و قدرتهای انحصاری بازار خود هستند. تمامی این امور از طریق استفاده از تکنولوژی نامناسب (سرمایه‌بر) صورت می‌پذیرد.

۳ - شرکت‌های چند ملیتی با استفاده از قدرت اقتصادی و ارتباطات خود، ضمن تحت تأثیر قراردادن دولت‌ها، موجبات تغییر جهت سیاست‌های توسعه‌ای دولت‌ها را در جهت‌های نامطلوب اجتماعی فراهم می‌کنند. این شرکت‌ها قادرند که امتیازات قابل ملاحظه سیاسی و اقتصادی را از دولت‌های محلی از طریق حمایت‌های بسیار زیاد، تخفیف‌های مالیاتی، درآمدهای سرمایه‌گذاری و تهیه ارزان کارخانه و خدمات اجتماعی ضروری، کسب نمایند. نتیجتاً، منافع خصوصی شرکت‌های چند ملیتی ممکن است از منافع اجتماعی آنها بیشتر باشد.

- ۴ - شرکت‌های چندملیتی می‌توانند با ایجاد فشار و استفاده از دانش برتر خود، ارتباطات بین‌المللی، مهارت‌های تبلیغاتی و جلب سیاست‌های حمایتی، رقبای داخلی و تولیدکنندگان کوچک در کشور میزبان را از میدان رقابت حذف نموده و به تدریج اقتصاد ملی را به نابودی بکشانند.
- ۵ - نهایتاً از نقطه نظر سیاسی، شرکت‌های چند ملیتی قدرتمند می‌توانند با کنترل و اداره مشاغل و دارایی‌های محلی نفوذ قابل ملاحظه‌ای در تصمیمات سیاسی داشته باشند. بصورت اغراق‌آمیز، آنها حتی ممکن است بطور مستقیم با تضمین مقامات عمومی، موجب فشار در سیستم شوند و با بصورت غیرمستقیم با مشارکت در "احزاب سیاسی دوست" نفوذ قابل ملاحظه‌ای در حوزه سیاسی کشور میزبان داشته باشند (نمونه بارز این موضوع تجربه نیلی در دهه ۱۹۷۰ می‌باشد).

۳ - روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان^(۱)

در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۷ جریان خروجی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در جهان، بطور میانگین رشدی معادل ۱۳ درصد در سال داشته‌است که می‌توان آن را با نرخ رشد ۷ درصدی صادرات جهانی کالاها و خدمات و رشد جهانی تولید ناخالص داخلی با قیمت‌های جاری در طول سال‌های ۱۹۸۰ تا ۱۹۹۶ مقایسه نمود. در سال ۱۹۹۸ ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی برای هفتمین سال پیاپی افزایش یافت. خروج سرمایه نیز برای سومین سال پیاپی رشد داشت و به حدود ۴۳۰ تا ۴۴۰ میلیارد دلار رسید (البته در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی باید ورود سرمایه در جهان با خروج سرمایه برابر باشد. ولی در عمل به دلیل تفاوت در روش شناسایی و همچنین تصمیم دولت‌ها بر اعلام یا اعلام‌نشدن این ارقام، این برابری برقرار نیست).

افزایش جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی زمینه‌ای برای گسترش چشمگیر تولید و اشتغال

در سطح جهان از طریق ایجاد ۴۴۹ هزار شرکت خارجی وابسته با سرمایه‌های حدود ۳۴۵۶ میلیارد دلار را فراهم آورده‌است. فروش محصول این کارخانه‌ها در سال ۱۹۹۷، از رشد سریع تری نسبت به رشد تجارت خارجی برخوردار بوده و به حدود ۹۵۰۰ میلیارد دلار در این سال رسیده‌است.

سهم کشورهای در حال توسعه در کل جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از ۲۲ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۳۷ درصد در سال ۱۹۹۷ رسیده و سهم آنها از کل جریان خروج سرمایه، از ۳ درصد در سال ۱۹۸۰ به ۱۴ درصد در سال ۱۹۹۷ افزایش یافته‌است. هرچند که شرکت‌های تأسیس‌شده در کشورهای صنعتی هنوز منبع اصلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی هستند، سرمایه‌گذاری مستقیم ناشی از کشورهای در حال توسعه نیز از اواسط دهه ۱۹۸۰ بیش از دو برابر شده‌است. کشورهای صنعتی بعنوان یک گروه، اغلب بیشترین قسمت از این سرمایه‌گذاری‌ها را جذب کرده‌اند. ولی با افزایش جذب سرمایه‌گذاری خارجی از سوی کشورهای در حال توسعه، سهم کشورهای صنعتی در حال تحلیل رفتن است.

توزیع جهانی ورود سرمایه بین کشورهای در حال توسعه نیز تا حدودی ناهمسان است. بعنوان مثال در سال ۱۹۹۷ کشورهای در حال توسعه آسیایی ۲۲ درصد، آمریکای لاتین و کارائیب ۱۴ درصد و کشورهای آفریقایی یک درصد از این سرمایه را به خود اختصاص دادند. اما اگر به این تصویر از زاویه دیگری بنگریم و به تشکیل سرمایه ثابت ناخالص توجه کنیم، آنگاه سهم آفریقا برای سال ۱۹۹۶ معادل ۷ درصد خواهد شد که در مقایسه با نرخ ۱۳ درصد برای آمریکای لاتین و کارائیب و ۷ درصد برای کشورهای آسیایی قابل توجه است.

۴ - سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه دارای سابقه‌ای طولانی است. با هرگونه تغییری در فضای سرمایه‌گذاری شامل سیاست دولت‌ها در قبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و در مفهوم وسیع‌تر تغییر چارچوب سیاست‌های اقتصادی، این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها در طول زمان با

نوساناتی مواجهه بوده است. بنابراین روند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی منعکس‌کننده تغییرات در سیاست‌های کشورهای در حال توسعه بوده است. برخی از استراتژی‌های توسعه اقتصادی در کشورهای در حال توسعه که اثرات تعیین‌کننده بر تصمیمات سرمایه‌گذاران خارجی داشته است عبارتند از: سیاست‌های جایگزینی واردات و ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، سیاست‌های توسعه منابع طبیعی در دهه ۱۹۷۰، برنامه‌های تعدیل ساختار و گذر به اقتصاد بازار در دهه ۱۹۸۰ و بالاخره سیاست‌های معطوف به افزایش نقش بخش خصوصی در دهه ۱۹۹۰.

سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه عمدتاً به سوی بخش صنایع و تولید کالاهای ساخته‌شده سرازیر گشته است.

طی سال‌های اخیر چین بزرگترین کشور میزبان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده است. هرچند که اروپای شرقی نیز بعنوان مکان جدید و بااهمیت این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها ظهور نموده است. طی دهه‌های اخیر حتی فقیرترین کشورهای هم در جریان ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی قرار گرفته‌اند. اگرچه بطور کلی میزان واقعی سرمایه‌گذاری انجام‌شده پایین بوده و در واقع منعکس‌کننده اندازه اقتصاد آنها بوده است. برای مدت زمانی طولانی، سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی انحصاراً فقط از سوی کشورهای صنعتی عمده انجام می‌شد، اما اخیراً منابع تأمین‌شده از سوی کشورهای در حال توسعه نیز افزایش یافته است و بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز در مناطق جغرافیایی خود اقدام به تأمین منابع لازم جهت انجام این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها نموده‌اند. ارتباطات منطقه‌ای نیز عامل دیگری است که نقش عمده‌ای در سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از کشورهای در حال توسعه داشته است.

روندهای اخیر جهانی شدن الگوهای مصرف و تولید موجبات افزایش سریع سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را در سطح جهان فراهم آورده است. افزایش سریع جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه نیز در پی همین تحولات صورت پذیرفته است، بطوریکه میزان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در فاصله سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۵ پنج برابر شده است و در سال ۱۹۹۶

بالغ بر ۱۰۰ میلیارد دلار گشته‌است. این افزایش عمدتاً به سوی ۱۲ کشور بزرگ در حال توسعه سرازیر بوده‌است، بطوریکه چین به‌تنهایی در خلال سال‌های ۱۹۹۰ تا ۱۹۹۶ (به قیمت‌های سال ۱۹۹۶) ۱۶۷ میلیارد دلار بابت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی کسب نموده‌است.

لازم به ذکر است که سیاست‌های عمومی نقش مهمی در این افزایش داشته‌اند. بعنوان نمونه هند دومین کشور بزرگ پس از چین (از نقطه نظر جمعیت) فقط ۲/۰ درصد از تولید ناخالص داخلی خود را از طریق جریان ورودی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بدست آورد، درحالی‌که این رقم برای کشور چین معادل ۴/۵ درصد بوده‌است. با توجه به اینکه هر دو کشور، کشورهای پر جمعیت با درآمد پایین هستند، لذا سطح درآمدها و یا میزان جمعیت هیچکدام توجیه مناسبی برای توضیح روندهای متباین فوق نیستند. تا قبل از سال ۱۹۸۲، نسبت سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به تولید ناخالص داخلی برای هند بالاتر از چین بوده‌است. آنچه که موجب این تغییر ناگهانی در وضعیت چین شده‌است، تغییر سیاست‌های آن در قبال سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بوده‌است. پس از سال‌ها اعمال مقررات سنگین بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، چین تصمیم به ایجاد رابطه‌ای نوین با دنیای جدید و ادغام با اقتصاد جهانی گرفت. این تصمیم‌گیری، منجر به تغییرات مهمی در چارچوب‌های سیاستی آنها گشت. این همان نکته‌ای بود که سرمایه‌گذاران خارجی نیز به آن پاسخ سریع دادند. البته از سال ۱۹۹۲، هند نیز با تغییراتی در زمینه حرکت به سوی آزادسازی اقتصادی، به ایجاد زمینه‌های مناسب برای سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در آینده اقدام نمود. سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی امروزه فقط در اقتصادهایی که دارای بازارهای وسیع داخلی هستند و یا از منافع اقتصادی بالایی برخوردارند انجام نمی‌شود، بلکه همه کشورها با موقعیت‌های اقتصادی گوناگون و درجات گوناگونی از توسعه اقتصادی در سراسر جهان به جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی می‌پردازند که گاه ارزش آن به بیش از ۵ درصد تولید ناخالص داخلی آنها بالغ می‌گردد. از جمله این کشورها می‌توان به جمهوری چک و مالزی اشاره نمود. نقطه مشترک تمامی این کشورها فراهم نمودن چارچوب‌های مناسب سیاستی است که موجبات جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی را فراهم می‌نماید.

جدول شماره (۱)

دوازده کشور اول در حال توسعه دریافت‌کننده سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی

رتبه	۱۹۷۰-۱۹۷۹	۱۹۸۰-۱۹۸۹	۱۹۹۰-۱۹۹۶
۱	برزیل	مکزیک	چین
۲	مکزیک	برزیل	مکزیک
۳	نیجریه	چین	مالزی
۴	مالزی	مالزی	برزیل
۵	اندونزی	مصر	اندونزی
۶	یونان	آرژانتین	تایلند
۷	آفریقای جنوبی	یونان	آرژانتین
۸	ایران	تایلند	مجارستان
۹	مصر	کلمبیا	لهستان
۱۰	اکوادور	نیجریه	کلمبیا
۱۱	تایلند	اندونزی	شیلی
۱۲	الجزایر	شیلی	جمهوری چک

World Bank Debtor Reporting System مأخذ

بطور کلی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به منبع مهمی برای تأمین مالی خصوصی خارجی برای کشورهای در حال توسعه تبدیل شده‌است. این نوع سرمایه‌گذاری از دیگر انواع ورود سرمایه خصوصی خارجی متمایز است. در این روش در بلندمدت برای سرمایه‌گذاران، انگیزه زیادی برای کسب سود از طریق فعالیت‌های تولیدی که مستقیماً کنترل می‌شوند، وجود دارد. در حالی که وام‌های بانکی خارجی و پرتفویهای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌هایی که مستلزم کنترل بانک یا سرمایه‌گذار است، سرمایه‌گذاری نمی‌شوند، بلکه اغلب به سود کوتاه‌مدت که متأثر از عواملی نظیر نرخ بهره است توجه دارند. با مقایسه این موارد در کشورهای آسیایی متأثر از بحران مالی می‌توان به تفاوت‌های موجود بین وام‌های بانکی و پرتفویهای سرمایه‌گذاری با سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی پی برد. در کشورهای بحران‌زده جنوب‌شرقی آسیا جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در ۵ کشوری که بیشترین صدمه را از بحران مالی دیده‌اند، همواره مثبت باقی ماند و فقط زمانی که وام‌های بانکی و سرمایه‌گذاری‌های کوتاه‌مدت در این کشورها شدیداً دچار کاهش گردید، جریان سرمایه‌گذاری خارجی اندکی کاهش یافت.

جدول شماره (۲)
 خالص جریان سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به مناطق مختلف و برخی از کشورهای در حال توسعه منتخب طی سالهای ۱۹۷۰-۱۹۷۱ (میلیون دلار)

سال	۱۹۷۰	۱۹۷۱	۱۹۷۲	۱۹۷۳	۱۹۷۴	۱۹۷۵	۱۹۷۶	۱۹۷۷	۱۹۷۸	۱۹۷۹	۱۹۸۰	۱۹۸۱	۱۹۸۲	۱۹۸۳	۱۹۸۴	۱۹۸۵	۱۹۸۶	۱۹۸۷	۱۹۸۸	۱۹۸۹	۱۹۹۰	۱۹۹۱	۱۹۹۲	۱۹۹۳	۱۹۹۴	۱۹۹۵
آمریکای شمالی	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰
آمریکای جنوبی	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰
آسیا	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰
آفریقا	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰
اروپای غربی	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰
دیگر کشورهای در حال توسعه	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰
جمع کل	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰	۱۷۰۰

Source: International Finance Corporation, Lessons of Experience, World Bank Debtor Reporting System

۵ - عملکرد و تحولات سرمایه‌گذاری خارجی در ایران

از لحاظ تحلیل تاریخی، دوران سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران را می‌توان به دو دوره اصلی تقسیم نمود:

۵-۱ - سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در دوران قبل از انقلاب اسلامی

دوران سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران، قبل از انقلاب اسلامی به سه دوره قابل تقسیم می‌باشد:

- ۱ - دوره قراردادهای استعماری که عمدتاً دوران قاجار و اعطای امتیازات انحصاری به اتباع و دولت‌های خارجی را دربر می‌گیرد.
 - ۲ - دوره پس از تصویب قانون تجارت و ثبت شرکت‌ها (۱۳۱۰).
 - ۳ - دوره پس از تصویب قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی در سال ۱۳۳۴.
- بررسی ارقام منتشره پیرامون سطح سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام‌شده در ایران قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، حاکی از آن است که طی سال‌های ۱۳۳۵ تا ۱۳۵۶ جمعاً ۲۷۶ مورد سرمایه‌گذاری به منظور انتقال تکنولوژی به کشور انجام شده‌است که بیش از ۳۰ درصد از موارد استفاده و بهره‌گیری از تکنولوژی جدید در سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۵۳، یعنی پس از افزایش اول قیمت نفت صورت گرفته‌است. ۶۵/۹ درصد از این سرمایه‌گذاری‌ها نیز در فاصله سال‌های ۱۳۵۶-۱۳۴۹ صورت گرفته‌است. از لحاظ مبلغ سرمایه‌گذاری خارجی، ۳۴ درصد از موارد کمتر از یک میلیون دلار بوده‌است و تنها در ۷ درصد از موارد حجم سرمایه‌گذاری‌ها به بیش از یکصد میلیون دلار رسیده‌است. قابل توجه است که حجم عظیمی از سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام‌شده در کشور طی سال‌های

۱۳۴۸-۱۳۴۱ در بخش نفت متمرکز بوده‌است، حال آنکه در دوره ۵۶-۱۳۴۹ بخش اعظم سرمایه‌گذاری انجام‌شده در بخش غیرنفتی بوده‌است.

از نقطه نظر انگیزه و هدف استقبال از سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، در فاصله سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۵۶، در ۲۸/۵ درصد از موارد هدف انتقال دانش فنی تولید بوده‌است. از سایر اهداف و انگیزه‌های سرمایه‌گذاری خارجی در دوره مورد ذکر نیز می‌توان به ساخت تأسیسات، مرتفع‌نمودن مشکلات فنی و ورود کادر فنی متخصص به کشور، اشاره نمود.

بررسی آمار میزان سرمایه‌گذاری خارجی انجام شده در ایران از طریق قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی (جدول شماره ۵) از سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۵۷، حاکی از آن است که پایین‌ترین سطح آن در سال ۱۳۳۶ و معادل ۳/۱ میلیون ریال و بالاترین سطح آن نیز در سال ۱۳۵۷ و معادل ۶۲۳۵/۷ میلیون ریال بوده‌است. طی سال‌های مورد بررسی، کشورهای فرانسه، آلمان، انگلستان، آمریکا و ژاپن معمولاً عمده‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در ایران بوده‌اند.

از نکات قابل توجه در دوره مورد بررسی، ورود کشور ژاپن به عرصه سرمایه‌گذاران خارجی در ایران از اواخر دهه ۱۳۴۰ و تبدیل آن به یکی از عمده‌ترین سرمایه‌گذاران در سال‌های بعدی می‌باشد (جدول شماره ۵).

بررسی توزیع بخشی سرمایه‌گذاری‌های خارجی در ایران (برحسب نوع فعالیت) طی سال‌های ۱۳۵۶ و ۱۳۵۷ (بالاترین سطح سرمایه‌گذاری‌های خارجی در کشور در سال‌های مذکور صورت گرفته‌است) بیانگر تمرکز شدید آن در بخش صنایع پتروشیمی می‌باشد. بطوریکه طی سال‌های فوق‌الذکر به ترتیب ۳۵/۷ درصد و ۴۴/۹ درصد از کل سرمایه‌گذاری‌های خارجی انجام شده در این بخش

می‌باشد. در این راستا عمده‌ترین و اصلی‌ترین علت را می‌توان برخورداری ایران از مزیت‌های نسبی در این بخش دانست. همچنین تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی حدوداً ۳۶۷ شرکت خارجی در ایران فعالیت داشته‌اند که حدود ۱۸ درصد این شرکت‌ها آمریکایی و ۱۴ درصد آن آلمانی و ۱۲ درصد آن انگلیسی بوده‌اند.

۲-۵ - سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در دوران پس از انقلاب اسلامی

یکی از مهمترین ویژگیهای قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی (مصوب ۱۳۳۵) این است که به موجب آن برگشت اصل و منافع حاصل از سرمایه‌گذاری خارجی از طرف دولت تضمین گردیده‌است. اجرای این قانون به علت وجود برخی نقائص و مشکلات، در عمل با اشکالاتی مواجه گردید و موفقیت‌آمیز نبود. بعنوان نمونه این قانون الزامی برای ورود همه سرمایه‌های خارجی از یک مجرای قانونی خاص قائل نشده و آن را امری اختیاری دانسته‌است. بدین ترتیب با ورود سرمایه‌های خارجی از مجاری مختلف، مهار سرمایه‌گذاری خارجی از دست دولت خارج گردید و عملاً هیچ‌گونه نظارتی بر کیفیت کار و فعالیت آنها وجود نداشت. این روند تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشته‌است. بررسی برخی از آمارهای منتشره^(۱) نشان‌دهنده کاهش قابل ملاحظه سطح این نوع از سرمایه‌گذاری‌ها بویژه در سال‌های پس از انقلاب می‌باشد بطوریکه این رقم از بیش از ۶۰٪ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۷ به ۴۰٪ میلیارد ریال در سال ۱۳۵۸ و ۲۰٪ میلیارد ریال در سال ۱۳۶۰ رسیده‌است. همچنین آمارهای منتشره بانک جهانی (جدول شماره ۲) در مورد جریان خالص سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به ایران نشان‌دهنده عمده‌بودن سرمایه‌گذاری خارجی در ایران تا قبل از افزایش قیمت نفت سال ۱۹۷۴، سیر صعودی آن در سال‌های افزایش قیمت نفت و به تدریج منفی شدن رقم (خروج سرمایه) در سال‌های

۱- مؤسسه تحقیقات پولی و بانکی - علیرضا رحیمی بروجردی، "بررسی نظری و تجربی پیرامون تأثیر متغیرهای درون‌زا و برون‌زا بر فرآیز سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران"، ۱۳۷۵.

پس از پیروزی انقلاب اسلامی بوده‌است. بعنوان مثال حجم این سرمایه‌گذاری‌ها در سال ۱۹۷۳ بالغ بر ۱/۵ میلیارد دلار بوده‌است، که با برخورداری از روند منفی قابل ملاحظه‌ای در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی به بالاترین میزان خروج سرمایه در سال ۱۹۹۰ (۳۹۴ میلیون دلار) رسیده است. ناآرامی‌های داخلی ناشی از جریان‌ات انقلاب اسلامی، مشخص نبودن حدود مالکیت بخش خصوصی، محدودیت‌ها و قوانین مربوط به انتقال ارز از کشور، قوانین محدود تجاری و امثال آن از جمله دلایل عمده کاهش سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در دوران بعد از انقلاب اسلامی بوده‌است. بطوریکه جدول شماره ۳ نشان می‌دهد سرمایه‌گذاری خارجی انجام‌شده در ایران در سال‌های بعد از پیروزی انقلاب و دوران جنگ تحمیلی متوقف بوده‌است و در سال‌های بعد از پایان جنگ تحمیلی و دوران برنامه پنج ساله اول توسعه اقتصادی و اجتماعی (۱۳۶۸-۱۳۷۲) از میزان بسیار پایینی برخوردار بوده‌است. در سال‌های پس از برنامه اول توسعه اقتصادی تا پایان سال ۱۳۷۷ نیز سطح سرمایه‌گذاری خارجی همواره از میزان مصوب آن بطور قابل توجهی کمتر بوده‌است (جدول شماره ۴). ارقام مندرج در جدول شماره ۴ حاکی از آن است که پایین‌ترین سطح سرمایه‌گذاری خارجی در سال ۱۳۷۳ معادل ۰/۰۲ میلیون دلار و بالاترین حد آن نیز در سال ۱۳۷۶ و معادل ۵۲/۸۵ میلیون دلار بوده‌است. از نظر توزیع جغرافیایی نیز در خلال سال‌های ۷۶-۱۳۷۲ کشورهای آلمان و بلژیک اصلی‌ترین سرمایه‌گذاران خارجی در ایران بوده‌اند (جدول شماره ۵). در سال ۱۳۷۷ سرمایه‌گذاری خارجی انجام‌شده در ایران علاوه بر کشور آلمان عمدتاً از سوی کشورهای دانمارک و کره جنوبی بوده‌است.

توزیع بخشی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران، طی سال‌های ۷۶-۱۳۷۲، حاکی از تمرکز شدید آن در بخش صنایع فلزی، صنایع کانی غیرفلزی و صنایع غذایی بوده‌است. در سال ۱۳۷۷ نیز سرمایه‌گذاری خارجی انجام‌شده در ایران عمدتاً در بخش صنایع خودروسازی و صنایع وابسته و صنایع شیمیایی می‌باشد.

میزان سرمایه گذاری خارجی انجام شده در ایران از طریق قانون جلب و حمایت سرمایه های خارجی بر حسب کشور طی سالهای ۱۳۷۲-۱۳۳۵ (میلیون ریال)

جدول شماره (۳)

جمع کل	برونز	ایرانش	ایران	ژاپن	کوبا	سوئد	اسرائیل	ژاپن	هند	پاکستان	ایالتها	انگلستان	فانمارک	آمریکا	آلمان	نروژ	سال
۸۷/۸														۱/۴	۱/۸	۸۷/۸	۱۳۳۵
۳/۸														۱۸/۵	۱/۲		۱۳۳۶
۳۵/۶													۵/۱	۱۲/۵	۱/۲		۱۳۳۷
۱۰۰/۴									۶/۳		۳۶/۸	۵۹/۸		۱۲/۵	۷/۵		۱۳۳۸
۳۷/۴											۲/۵	۱/۵	۱۶/۹	۱۱/۵	۷/۵		۱۳۳۹
۳۵/۷											۳۵/۵	۱۸۸/۴	۸/۶	۵/۰	۶/۴		۱۳۴۰
۱۵۱/۴							۱۲/۷				۷۰۲	۲۰۷	۱۱/۷	۵۱/۱	۱۵/۸		۱۳۴۱
۱۱۶/۵											۲۰/۰	۱۸/۰	۵/۵	۳۲/۸			۱۳۴۲
۱۲۸/۸					۱۵/۸	۳/۸					۲۰/۰	۱۷/۵	۵/۷	۱۱۲/۸	۳۲/۸		۱۳۴۳
۲۱۱/۸						۵/۹					۳۰/۰	۱۷/۵	۵/۷	۱۱۲/۸	۳۲/۸		۱۳۴۴
۳۷۶/۶						۵/۸					۲/۴	۳۳/۶	۸/۹	۱۵۸/۶	۳۱/۵	۷/۷	۱۳۴۵
۵۵۲/۵						۸/۰					۲/۴	۶/۰	۸/۲	۶۰۷/۷	۱۲۲/۵	۳۷/۷	۱۳۴۶
۸۹۷/۴						۳۰/۸					۲/۸	۲۲/۰	۶/۸	۳۵۱/۴	۱۶۶/۵	۲۹/۴	۱۳۴۷
۱۲۷۲/۴						۳۰/۸					۲/۸	۵۸/۴	۳۲/۸	۲۲۰/۴	۶۵/۷	۵۲/۷	۱۳۴۸
۱۷۵۵/۴						۳۰/۸					۱۲/۰	۳۳/۶	۵۱/۴	۱۲۲/۸	۳۲/۶	۳۲/۶	۱۳۴۹
۷۲۴/۸						۱۲/۰					۲۰/۰	۶۶/۷	۳۳/۸	۱۵۶/۶	۶۲/۰		۱۳۵۰
۱۶۹۱/۸						۳/۵					۲/۷	۳۱/۳	۲/۸	۳۵۷/۵	۱۲۲/۸	۱۰۰/۸	۱۳۵۱
۳۶۲۰/۴						۳۱/۸						۳۵/۸	۱۱۸۵/۴	۶۶۴/۷	۳۲/۵		۱۳۵۲
۱۸۴۵/۶						۳۱/۸						۵۶/۶	۸۶۸/۶	۱۱۶/۸	۶۴/۹		۱۳۵۳
۳۰۰۷/۸						۳۸۵/۵					۷۶۲/۴	۱۳۳۳/۹	۶۰/۰	۲۶۶/۶	۸۲۲/۴	۱۰۰۹/۸	۱۳۵۴
۵۹۸۰/۷						۸۳۲/۴					۴۶۶/۴	۳۲۱/۴	۵۸۰/۶	۵۸۰/۶	۸۲۲/۴	۱۰۰۹/۸	۱۳۵۵
۱۶/۵						۹۰/۰					۴۶۶/۴	۳۲۱/۴	۵۸۰/۶	۵۸۰/۶	۸۲۲/۴	۱۰۰۹/۸	۱۳۵۶

ادامه جدول شماره (۳)
میزان سرمایه‌گذاری خارجی انجام‌شده در ایران از طریق قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی بر حسب کشور طی سالهای ۱۳۷۲-۱۳۷۵ (میلیون ریال)

جمع کل	کانادا	برمودا	ایریش	اسرائیل	پاناما	ترید	برمان	ارژانتین	ژاپن	سریلان	آلمان غربی	هند	ایرینک	سویس	هلند	پاکستان	ایالتا	انگلستان	ایالتاری	آمریکا	آلمان	فرانسه	سپان
۵۹۱۱/۶	۳۲/۰								۱۹۶/۰			۱/۸		۱۰۰/۰			۱۰۰۰/۶	۲۰۶/۸	۱۷۸/۶	۱۱۱۶/۶	۱۳۷/۸	۵۶۵/۸	۱۷۵۶
۶۶۲۵/۷		۱۲/۰	۷۱/۰					۳۸۱۱/۶						۵۵/۸			۶۶۱/۰	۳۰۸/۵	۱۹۶/۸	۲۲۲/۰	۲۸/۲		۱۷۵۷
۲۶۶۶/۵								۶۷/۵	۲۱/۸					۳۳۲/۵				۶/۰	۱/۸	۶/۶			۱۷۵۵
۱۲۰۰									۱۲۰۰														۱۷۵۵
																							۱۷۶۰
																							۱۷۶۰
																							۱۷۶۱
																							۱۷۶۲
																							۱۷۶۳
																							۱۷۶۴
																							۱۷۶۵
																							۱۷۶۶
																					۱۰۰/۰		۱۷۶۷
									۱۰۷/۸														۱۷۶۸
									۳۲/۸														۱۷۶۹
																							۱۷۷۰
																						۳۰/۰	۱۷۷۱
																							۱۷۷۲

منابع: سازمان سرمایه‌گذاری و کشورهای غیر اقتصادی - وزارت امور اقتصادی و دارایی.

جدول شماره (۴)
توزیع سالیانه سرمایه‌گذاری‌های خارجی

(میلیون دلار)

سرمایه وارده	سرمایه مصوب	سال
-	۲۰/۳۰	۱۳۷۲
۰/۰۲	۱۸۷/۸۱	۱۳۷۳
۰/۰۷	۱۱۹/۲۰	۱۳۷۴
۱۳/۳۷	۶۷/۰۶	۱۳۷۵
۵۲/۸۵	۱۹۹/۹۷	۱۳۷۶
۲۲/۶۰	۱۲۸۱/۲۷	۱۳۷۷
۸۹/۹۱	۱۸۷۵/۵۴	جمع

توضیح: سرمایه مصوب و وارده شامل سهم سرمایه و وام سهامدار می‌باشد.

مأخذ: وزارت امور اقتصادی و دارائی - سازمان سرمایه‌گذاری و کمکهای فنی و اقتصادی.

جدول شماره (۵)

توزیع جغرافیائی سرمایه‌گذاری‌های خارجی (میلیون دلار)

۱۳۷۶-۱۳۷۷		سال ۱۳۷۷		کشور یا منطقه سرمایه‌گذار
سرمایه‌ی وارده	سرمایه‌ی مصوب	سرمایه‌ی وارده	سرمایه‌ی مصوب	
۶۲/۳۶	۲۸۱/۵۰	۸/۷۳	۱۲۷۸/۰۷	* اروپا
۲۸/۶۲	۸۰/۷۲	۲/۶۸	۲/۶۸	آلمان
-	۰/۵۱	۰/۲۳	۴/۱۸	اسپانیا
-	۰/۲۳	-	-	اسلونی
-	-	-	۱۱۴۲/۶۷	انگلستان
۱/۵۸	۲۱/۹۴	-	۶۰/۸۶	ایتالیا
-	۶۲/۰۰	-	۰/۰۴	ایرلند جنوبی
۳۰/۰۰	۳۰/۰۰	-	۴۹/۴۸	بلژیک
۰/۶۲	۰/۹۰	۰/۲۷	-	بوسنی و هرزگوین
-	۴/۷۵	۴/۱۷	-	دانمارک
-	۶/۴۴	-	-	سوئد
۰/۶۰	۰/۹۸	۰/۳۸	-	سوئیس
۰/۶۷	۹/۳۱	-	-	فرانسه
-	۶۳/۱۰	-	۱۳/۷۰	لوکزامبورگ
۰/۲۵	۰/۵۲	-	-	یونان
۳/۷۱	۳۰۵/۰۲	۱۱/۸۹	۳/۲۰	* آسیا
۱/۷۸	۱۰۰	۰/۶۵	-	امارات متحده عربی
-	۱/۲۷	-	-	تایوان
-	۴/۴۰	۲/۱۸	-	ترکیه
-	-	-	-	چین
-	۲/۰۰	۰/۱۷	-	ژاپن
۱/۴۴	-	-	-	سنگاپور
۰/۴۴	۱۸۴/۶۰	۸/۸۹	۲/۲۰	کره جنوبی
-	۱۲/۲۳	-	-	مالزی
۰/۰۵	۰/۰۵	-	-	هندوستان
۰/۲۴	۷/۲۲	۲/۹۸	-	* سایر
۰/۱۴	۰/۲۸	-	-	جامائیکا
۰/۱۰	۶/۹۴	۲/۹۸	-	کانادا
۶۶/۳۱	۵۹۴/۲۷	۲۳/۶۰	۱۲۸۱/۲۷	جمع کل

منابع: وزارت امور اقتصادی و دارائی - سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران.

۶ - مبانی قانونی سرمایه‌گذاری خارجی در ایران و بررسی لایحه قانونی جدید پیشنهادی سرمایه‌گذاری خارجی

قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی^۲ در سال ۱۳۳۴ و آئین‌نامه اجرایی مربوطه نیز در سال ۱۳۳۵ به تصویب مجلس وقت رسید. بدنبال تصویب این قانون و براساس قانون پولی و بانکی کشور مصوب خرداد ماه ۱۳۳۹، مرکز جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی نیز در ۱۷ اردیبهشت ماه ۱۳۴۱ بوجود آمد.

۱-۶- بررسی برخی مواد عمده قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی

براساس مواد (۱) و (۲) این قانون، صرفاً بخش خصوصی خارجی مجاز است که به سرمایه‌گذاری مستقیم در ایران بپردازد و حوزه فعالیتش هم همان حوزه فعالیت بخش خصوصی در ایران است. سرمایه‌گذاران خارجی نمی‌توانند انحصار بوجود آورند. دولت تعیین‌کننده اصلی اولویت‌های جغرافیایی سرمایه‌گذاری خارجی است و هیچگونه اولویت‌های رشته فعالیت نیز از لحاظ قانون در نظر گرفته نشده است.

طبق ماده (۲) آئین‌نامه این قانون، سرمایه می‌تواند به دو شکل نقدی و غیرنقدی وارد کشور شود. سرمایه‌گذار حق دارد که سرمایه را همراه با کلیه سودهایی که دوباره در طول فعالیت شرکت سرمایه‌گذاری شده، به عنوان سرمایه خود از ایران خارج بنماید. بند «ه»، ماده ۲ آئین‌نامه نیز تصریح می‌نماید حقوق ارزی متخصصین که به منظور ایجاد کارهای تولیدی مذکور در این آئین‌نامه، قبل از شروع بهره‌برداری پرداخت شده باشد سرمایه خارجی وارده محسوب می‌شود.

طبق مفاد این قانون، ارزش سرمایه غیرنقدی پس از توافق میان سرمایه‌گذار و مقامات در شروع سرمایه‌گذاری به نام وی ثبت می‌گردد و طبق بند «د» ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون مذکور درآمد حاصل از ترقی قیمت‌ها هنگام فروش سرمایه غیرنقدی، قابل تبدیل به ارز نخواهد بود. لیکن سرمایه‌گذار می‌تواند در قبال آن کالاهای ایرانی بدون سپردن تعهد فروش ارز به خارج صادر نماید. بنابراین حتی اگر سرمایه

غیر نقدی هم فروخته شود، منافع سرمایه‌ای حاصل از آن قابل تبدیل به ارز و خارج کردن از کشور نیست^(۱). بدیهی است این نکته نیز می‌تواند اثری منفی در تصمیم سرمایه‌گذاران خارجی داشته باشد. براساس متن ماده ۹ آئین‌نامه، تسعیر ارزهایی که باید تبدیل به ریال گردد به نرخ خرید روز بانک مرکزی در تاریخ تسعیر بعمل خواهد آمد و بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران مختار است ارزهای مذکور را خریداری کند و یا به عنوان سپرده طبق قرارداد جداگانه با نرخى که مورد قبول طرفین باشد تسعیر نموده و به ریال بپردازد و در هنگام برگشت نیز به همان نرخ مسترد دارد. بنابراین ملاحظه می‌گردد که در تبدیل سرمایه یا درآمدهای ارزی به ریال (به نرخ رسمی خرید) هیچگونه اجباری وجود ندارد، نرخ تبدیل ارزهایی نیز که تبدیل بر آن اساس صورت می‌گیرد، نرخ خرید روز بانک مرکزی است، اما در صورت عدم تسعیر ارزها به ریال، می‌توان از هر نرخى که مورد قبول سرمایه‌گذار و بانک است برای محاسبه برابری استفاده کرد. همچنین براساس متن بند «ج» ماده ۱۳ این آئین‌نامه نرخ ارز برای انتقال سود یا برگشت سرمایه نرخ فروش بانک در روز انتقال خواهد بود. لذا نرخى که در زمان برگشت سرمایه ملاک محاسبه قرار می‌گیرد، همین نرخ خواهد بود. بنابراین ملاحظه می‌گردد که ارزش پول‌هایی که به ریال تسعیر نشود، حفظ خواهد شد. طبق ماده ۱۰ این آئین‌نامه این اصل در مورد ارزهایی که به ریال تسعیر شده است وجود ندارد و نرخ فروش بانک در روز انتقال ملاک قرار می‌گیرد. بدین ترتیب، سرمایه‌گذار با خطر نوسانات ارزی مواجه است که در صورت اقدام به سرمایه‌گذاری باید این مخاطره را بپذیرد.

با توجه به ماده ۱۳ آئین‌نامه قانون حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خارجی، انتقال اصل یا سود سرمایه‌های خارجی که بر طبق مواد قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی به ایران وارد و بکار انداخته شده، به خارج کشور به صورت ارز و یا کالای مجاز، پس از کسر پرداختهای قانونی بر حسب همان ارزی که سرمایه‌گذاری به آن ارز صورت گرفته است، مجاز است. همچنین اگر امکانات ارزی کشور اجازه

۱- البته براساس بند ۸ آئین‌نامه قانون جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی این شرط وجود دارد که سرمایه نقدی که در یک دفعه و یا به دفعات وارد ایران و به ریال تبدیل می‌شود می‌تواند به ارز تبدیل شود مشروط بر آنکه آن ارز مورد قبول بانک مرکزی باشد.

ندهد، براساس ماده ۵ قانون، سرمایه‌گذار فقط می‌تواند به اندازه ارز مورد مطالبه‌اش، کالاهای مجاز به خارج از کشور صادر کند و از این بابت هم به بانک پیمانی نسپارد. وجود این ماده در قانون به شکل فوق می‌تواند ورود سرمایه‌گذاران واقعی به بازار را با تردید مواجه سازد.

با توجه به نکات فوق‌الذکر و همچنین انجام بررسی‌های عمیق‌تر و همه‌جانبه در مورد قانون، ملاحظه می‌گردد که بازنگری همه‌جانبه مبانی قانون سرمایه‌گذاری خارجی، مشخص نمودن ابهامات و تطبیق آن با وضعیت موجود اقتصاد کشور، یکی از نخستین گامهای تسهیل سرمایه‌گذاری خارجی می‌باشد.

۲-۶- بررسی لایحه قانونی جدید پیشنهادی جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی

در پی مشکلات فوق‌الذکر و با توجه به مطالب عنوان شده پیرامون ضرورت اصلاح قانون جلب و حمایت سرمایه‌گذاری خارجی در کشور، اخیراً وزارت امور اقتصادی و دارایی لایحه جدیدی در این ارتباط به هیأت وزیران تقدیم نموده‌است. تهیه و تدوین این لایحه، گذشته از آنکه در قالب بازنگری قوانین و مقررات سال‌های قبل به ویژه دوره قبل از انقلاب لازم می‌باشد، همچنین می‌تواند از نظر هماهنگ ساختن و سازگاری قوانین داخلی مربوط به سرمایه‌گذاری با در نظر گرفتن تحولات بوجود آمده طی سال‌های اخیر در زمینه نحوه مشارکت‌های سرمایه‌ای و مالی در سطح بین‌المللی نیز مؤثر باشد.

نکات عمده مطروحه در لایحه جدید عبارتست از :

- * بسط حوزه فعالیت‌های مجاز سرمایه‌گذاری خارجی (نسبت به قانون جدید) و بطور مشخص مجاز شمردن فعالیت در بخشهای جهانگردی، مالی، مسکن و تحقیقات.
- * برقراری محدودیت‌های قانونی و حقوقی در سرمایه‌گذاری‌های خارجی (مشابه با شرایط قانون موجود). بعنوان نمونه عدم اعطای حقوق انحصاری به شرکای خارجی و محدود نمودن مشارکت سرمایه‌گذاری به فعالیت در رشته‌ای که طبق قانون کشور بخش غیردولتی مجاز به سرمایه‌گذاری در آن است.

- * اضافه‌نمودن اشکال دیگری از سرمایه خارجی نظیر خرید دانش فنی و تسهیلات مالی (وام و اعتبار) اعطایی یا تضمین شده توسط شرکاء خارجی به صورت وام سهامدار خارجی، به قانون جدید.
- * در لایحه جدید پیشنهادی، دولت‌های خارجی نمی‌توانند مستقیماً و به نام دولت بعنوان سرمایه‌گذار مشمول قانون گردند، لیکن در صورت مشارکت غیرمستقیم و یا احراز چنین وضعی (بر خلاف قانون موجود) رفتار قانونی لایحه جدید با سرمایه‌های فوق‌الذکر صرفاً براساس ضوابط حاکم بر اشخاص حقیقی و حقوقی غیر دولتی خارجی قرار خواهد گرفت.
- * سرمایه‌گذاری‌های خارجی توسط سازمانهای بین‌المللی می‌توانند از حمایت‌های قانونی برخوردار باشند (مجموعه بیشتری از اشخاص حقیقی و حقوقی خارجی واجد شرایط استفاده از حمایت‌های قانون خواهند بود).
- * اعطای تسهیلات و حقوق قانونی بیشتر به سرمایه‌گذار خارجی. بعنوان نمونه اگر سود سهام حاصل از سرمایه‌گذاری‌های خارجی مشمول این قانون و مبالغ قابل انتقال حاصل از فروش سهام و سهم‌الشرک‌های خارجی صرف سرمایه‌گذاری مجدد گردد، از پرداخت مالیات معاف خواهند بود.
- * ایجاد فضای مساعدتر حقوقی از نظر قوانین و رویه‌های حقوقی استاندارد و قابل اتکاء و روشهای رفع اختلافات (با افزودن مهلت تقاضای جبران خسارت و منظور داشتن مراجع داوری بین‌المللی در کنار مراجع داوری داخل) و ایجاد امکانات و فرصتهای بیشتر برای سرمایه‌گذاران خارجی جهت رسیدگی به اختلافات و حل و فصل آنها و نیز دریافت غرامت‌های احتمالی.
- * انعطاف بیشتر در مورد بیمه سرمایه خارجی (برخلاف قانون موجود، در این لایحه مؤسسات بیمه دولتی خارجی نیز می‌توانند جانشین سرمایه‌گذار خارجی گردند لیکن چگونگی رفتار با آنها در چارچوب ضوابط حاکم بر اشخاص حقیقی و حقوقی غیردولتی خارجی قرار گیرند).

۳-۶- نکات عمده وجوه افتراق میان آئین‌نامه جدید و قانون موجود

- * در لایحه جدید کالاهای صادراتی تنها می‌تواند به عنوان بخشی از سود از کشور خارج شود در حالیکه در قانون موجود کالاهای صادره مجاز می‌تواند در مقابل اصل سرمایه نیز مورد استفاده قرارگیرد.
- * در لایحه جدید پیشنهادی بر نوع ارز خارج شده توسط سرمایه‌گذاران خارجی تأکیدی به عمل نمی‌آید، در حالی که براساس قانون فعلی نوع ارز صادره باید با نوع ارز وارده توسط سرمایه‌گذار خارجی مطابقت داشته باشد.
- * در قانون موجود اگر سرمایه خارجی دچار نقصان شود، در هنگام خروج سرمایه تعهدی نسبت به پرداخت مبلغ خسارت دیده وجود ندارد، لیکن در لایحه جدید اشاره روشنی به این موضوع نشده است.
- * در قانون فعلی خروج سرمایه منوط به ارائه ترازنامه شرکت در تاریخ خاتمه عملیات در ایران است، در صورتی که در لایحه جدید تصفیه و انحلال شرکت، کاهش سرمایه و فروش سهام شرکت جزو شرایط خروج سرمایه از کشور عنوان شده است. بدین ترتیب روشن نیست که در صورت تمایل سرمایه‌گذار خارجی به انحلال شرکت خود قبل از رسیدن به مرحله بهره‌برداری و یا تمایل به کاهش سرمایه به علت ضرر و زیانهای وارده به شرکت، آیا می‌تواند کل سرمایه خود را از کشور خارج نماید و یا اینکه فقط به اندازه سرمایه ثبت شده اولیه خود مجاز به خروج سرمایه خود می‌باشد.
- * در لایحه جدید، تعیین نرخ خرید و فروش رسمی ارز توسط بانک مرکزی به عنوان نرخ تسعیر برای کلیه نقل و انتقالات ارزی اعم از ورود و خروج سرمایه‌های خارجی در نظر گرفته شده است که عمدتاً متأثر از شرایط اقتصادی زمان تدوین اولیه آن در سال ۱۳۷۲ (اعلام نظام ارزی شناور و هدایت شده) بوده است. البته لازم به ذکر است که در حال حاضر سیستم ارزی کشور بر پایه دو

نرخ رسمی و شناور و ارزش صادراتی است که نرخ مؤثر ارزش صادراتی نیز متأثر از نرخ واریزنامه‌های صادراتی است، نرخ بازار غیرمجاز نیز در اقتصاد وجود دارد.

۷ - نتیجه‌گیری

در پی تجربه ناموفق سرمایه‌گذاری خارجی در ایران در سال‌های قبل از پیروزی انقلاب اسلامی و اینکه بطور کلی این سرمایه‌گذاری‌ها به بالا بردن مؤثر دانش فنی در کشور نینجامیده است و همچنین ضعف چارچوبهای قانونی آن، مفید فایده است به برخی نکات در مورد اقتصاد ایران که در اجرای موفقیت‌آمیز سیاست مزبور مؤثر است و در نحوه تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران خارجی اهمیت فراوان دارد اشاره نمود. چراکه عملکرد سرمایه‌گذاران خارجی با پیچیدگی‌های خاصی همراه بوده است که اگر کشور میزبان به بررسی و ارزیابی آن رفتارها نپردازد، می‌تواند با نتیجه معکوس مواجه گردد.

۱ - رتبه بندی جهانی و منطقه‌ای فضای اقتصادی کشور از سوی سازمانهای بین‌المللی؛ این رتبه‌بندی قطعاً در زمینه‌های مرتبط با مسائل اقتصادی، اجتماعی و سیاسی کشور صورت می‌پذیرد.

۲ - فضای سیاسی و ثبات قوانین موجود در کشور؛ اگر یک کشور مواجه با مشکلات ساختاری باشد، احتمال اینکه با پدیده کاهش سرمایه‌گذاری خارجی یا فرار سرمایه‌های داخلی مواجه شود، افزایش می‌یابد. حجم و ترکیب بدهی‌های خارجی و فرار همه‌جانبه سرمایه‌های آمریکای لاتین و بسیاری از کشورهای جهان در سال‌های ۱۹۷۰ و ۱۹۸۰ مبین همین عامل است. در مجموع سیاست‌های عمومی یک کشور می‌تواند به ایجاد ثبات سیاسی و اقتصادی، تعادل در روابط اداری و اقتصادی، حذف بوروکراسی غیرضروری و پیچیده و دیدگاه عامه نسبت به خارجیان و سرمایه‌گذاران خارجی کمک نماید.

- ۳- تک محصولی بودن اقتصاد ایران و اتکاء آن به درآمدهای حاصل از صدور نفت؛ بدیهی است نوسانات قیمت نفت در بودجه دولت، موازنه حساب جاری تراز پرداختها و همچنین انجام تعهدات ارزی، در کل بر مجموعه شرایط موجود اقتصاد کشور تأثیر مستقیم دارد.
- ۴- قوانین و مقررات پولی و ارزی و بانکی؛ بطور کلی کشور میزبان سرمایه‌گذاری خارجی، می‌تواند ضمن در نظر گرفتن منافع خود و کاربرد انواع سیاست‌ها، به جذب سرمایه‌های مناسب و مورد نیاز خود بپردازد. سیاست‌های پولی و ارزی اولین حوزه برخورد سرمایه خارجی با اقتصاد ملی است، هرچند که تأثیر این سیاست‌ها بر سرمایه‌گذاری خارجی یکسان نیست. سیاست‌های پولی می‌تواند از طریق تغییر هزینه بدهی‌های مالی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی بر بازده نهایی سرمایه‌گذاری و جذب یا دفع این منابع اثر بگذارد. سیاست‌های ارزی نیز از طریق تغییر در درآمد سرمایه‌گذاری (بعلت وجود سیستم چند نرخ ارز)، سیاست‌های مؤثر بر هزینه بدهی‌های سرمایه‌گذاری خارجی (بعلت نوسانات نرخ ارز)، کنترل‌های شدید ارزی در بازگردانیدن اصل و سود سرمایه‌های خارجی و یا محدود کردن درصد مالکیت خارجی‌ان می‌تواند عامل کاهش رغبت سرمایه‌گذاران خارجی باشد.
- ۵- قوانین تجارت، مالیات، کار، تأمین اجتماعی و بطور کلی چارچوب مناسب قانونی سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی، یکی از علائم رغبت کشورهای میزبان به ورود سرمایه خارجی است.
- ۶- نقش بخش خصوصی در اقتصاد کشور و میزان اصلاحات اقتصادی انجام گرفته و سطوح تعیین شده سرمایه‌گذاری خارجی در برنامه‌های توسعه اقتصادی کشور.
- ۷- فضای مساعد اقتصادی از نظر قوانین مربوط به ابقاء قراردادها، رویه‌های حقوقی استاندارد و قابل اتکاء و روشهای رفع اختلافات بازرگانی.
- ۸- مقایسه کشورهای مناسب سرمایه‌گذاری از جانب سرمایه‌گذار خارجی؛ علی‌رغم اهمیت

فوق‌العاده چارچوبهای مناسب مقرراتی جهت سرمایه‌گذاری خارجی در یک کشور و وجود فضای اقتصادی و اجتماعی مناسب، شایان توجه است که سرمایه‌گذاران عموماً با مقایسه نمودن کشورها، کشور مورد نظر خود را انتخاب می‌نمایند. بنابراین رقابت میان کشورها و ایجاد شرایط نسبی مناسب‌تر جهت جلب سرمایه‌گذاران خارجی حائز اهمیت فراوان است.

« فهرست منابع »

□ منابع داخلی:

- ۱ - انجمن مدیران صنایع جمهوری اسلامی ایران، «سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشورهای در حال توسعه»، ۱۳۷۱.
- ۲ - مؤسسه تحقیقات پولی بانکی، علیرضا رحیمی بروجردی، «بررسی نظری و تجربی پیرامون تأثیر متغیرهای درون‌زا و برون‌زا بر فرار سرمایه و سرمایه‌گذاری خارجی در ایران»، ۱۳۷۵.
- ۳ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی، «بررسی فعالیت شرکت‌های چندملیتی در ایران»، ۱۳۵۹.
- ۴ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی، «گزارش اقتصادی و ترازنامه سال‌های مختلف».
- ۵ - سازمان برنامه و بودجه، «سرمایه‌گذاری خارجی در ایران»، ۱۳۶۶.
- ۶ - بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، اداره بررسی‌های اقتصادی، «بررسی و اظهارنظر درباره لایحه پیشنهادی قانون سرمایه‌گذاری خارجی»، ۱۳۷۷.
- ۷ - وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان سرمایه‌گذاری و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، «آمار سال‌های مختلف».
- ۸ - وزارت امور اقتصادی و دارایی، سازمان سرمایه‌گذاری‌ها و کمک‌های اقتصادی و فنی ایران، «قانون و آئین‌نامه مربوط به جلب و حمایت سرمایه‌های خارجی».

□ منابع خارجی:

- 1 - I.M.F., "*Foreign Direct Investment*", WP/90/63.
- 2 - I.M.F., "*How does Foreign Direct Investment Affect Economic Growth*", WP/94/110.
- 3 - I.M.F., "*Information Externalities Affecting the Dynamic Pattern of Foreign Direct Investment: The Case of China*", WP/94/44.
- 4 - I.F.C., "*Lessons of Experience, Foreign Direct Investment*", 1997.
- 5 - UNCTAD, "*World Investment Report, Trends and Determinants*", 1992,1998.
- 6 - Michael. P. Todaro, "*Economic Development in the Third World*", Fourth Edition.
- 7 - I.M.F., Occasional Paper No. 77, "*Determinants and Systematic Consequences of International Capital Flows*", March 1991.